

# اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یأت بصیرا

چهارشنبه، ۱۸ مارس ۲۰۱۵ ۰۷:۳۹ ق.ظ

جزء	تجزیه	ترکیب
اذهبوا(۱)	فعل، امر، صیغه ۹، معلوم، ثلاثی مجرد، صحیح و سالم، متعدی به حرف جر، مبنی بر حذف نون	فعل و فاعلش واو
ب	حرف جر مؤثر در معنا و متعدی کننده، مبنی بر کسر	-
قمیص	اسم، مفرد، مذکر، معرب، صحیح الاخر، منصرف، معرفه به اضافه، جامد	مجرور به حرف جر و مفعول به با واسطه و محلاً منصوب
ی	اسم، ضمیر متصل مجروری، صیغه ۱۳ متکلم و حده، مبنی، معرفه	مضاف الیه و محلاً مجرور
ه	حرف تنبیه	-
ذا	اسم اشاره به نزدیک، مفرد مذکر، مبنی، معرفه	بدل یا عطف بیان از قمیص، محلاً مجرور
ف	حرف عطف، غیرعامل، مبنی بر فتح	-
القو (۲)	فعل، امر، صیغه ۹، ثلاثی مزید باب افعال، معتل و ناقص یایی، ریشه لقی، متعدی بنفسه، معلوم، مبنی	فعل، امر، فاعلش واو و محلاً مرفوع
ه	اسم، ضمیر متصل منصوبی، مفرد مذکر غایب، مبنی، معرفه	مفعول به و محلاً منصوب

علی	حرف جر، غیر مؤثر بر فعل القوا، در معنای استعلاء، عامل	-
وجه	اسم، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه، معرب، صحیح الآخر، منصرف	مجرور به حرف جر
اب	اسم، اسماء سته، مفرد، مذکر، جامد، معرب، معرفه به اضافه، صحیح الآخر، منصرف	مضاف الیه و تقدیراً مجرور زیرا مضاف به یاء متکلم است و اعرابش تقدیری است
ی	اسم، ضمیر متصل مجروری، متکلم وحده، مبنی، معرفه	مضاف الیه و محلاً مجرور
یأت (۳)	فعل، مضارع، صیغه ۱، ثلاثی مجرد، ناقص یایی، از ریشه آتی، لازم، معلوم، مجزوم، معرب، مهموز الفاء	فعل مضارع و مجزوم به علت جواب طلب بودن و فاعل ضمیر مستتر هو
بصیراً	اسم، مذکر، مشتق و صفت مشبیه، نکره، معرب، صحیح الآخر، منصرف	حال مفرد و منصوب

ترجمه: (خطاب یوسف به برادران) پیراهنم را ببرید و آن را بر صورت پدرم بیندازید تا بینا شود.

(۱) رجوع به وسیط برای مشاهده معنای ریشه ذ ه ب و کنترل مؤثر یا غیر مؤثر بودن حرف جر باء در معنا و لزوم و تعدی:

وسیط ص ۳۱۶ 

• (ذَهَبَ) - ذَهَابًا ، وَذُهُوبًا ، وَمَذْهَبًا : مَرَّ .  
 و - مَضَى . و - مَات . و يقال . ذَهَبَ الْأَثَرُ :  
 زَالَ وَامَّحَى . و - به : صَاحَبَهُ فِي الذَّهَابِ .  
 و - به : أزاله . وَفِي التَّنْزِيلِ الْعَزِيزِ : ﴿ ذَهَبَ  
 اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴾ .



نمودار فعل  
 ذَهَبَ

بنابراین با توجه به معانی مشاهده شده در وسيط و نمودار فعل ذهب، متوجه  
 ميشويم كه باء در اين استعمال حرف جر مؤثر بوده و معنا را نيز از رفتن به بردن  
 تغيير ميدهد، به اين معنا كه ميفرمايد: **پيراهنم را ببريد.**  
 (۲) رجوع به وسيط براي مشاهده ريشه لقي:

وسيط ص ۸۳۶

• (لَقِيَ) - لِقَاءً ، وَتَلْقَاءً ، وَلُقِيًّا ، وَلُقْيَانًا ،  
 وَلُقْيَةً : اسْتَقْبَلَهُ وَصَادَفَهُ . و - فَلَانُ رَبَّهُ : مَات .  
 (الْقَى) الشَّيْءَ : طَرَحَهُ . تَقُولُ : أَلْقَاهُ  
 مِنْ يَدِكَ ، وَأَلْقَى بِهِ مِنْ يَدِكَ . وَيُقَالُ : أَلْقَيْتَ  
 إِلَيْهِ الْمَوْدَّةَ وَبِالْمَوْدَّةِ . وَفِي التَّنْزِيلِ الْعَزِيزِ : ﴿ تَلْقَوْنَ  
 إِلَيْهِمْ بِالْمَوْدَّةِ ﴾ . وَأَتَى اللَّهُ الشَّيْءَ فِي الْقُلُوبِ :

(۳) رجوع به وسيط برای مشاهده ریشه آتی:

وسيط ص ۴: 

• (آتَى) - أَتِيًا ، وَإِتْيَانًا ، وَإِتْيَاءً ، وَمَاتِيًا ،  
وَمَاتَاءً : جَاءَ ، يُقَالُ : أَتَيْتُ الْأَمْرَ مِنْ مَاتَاهُ  
وَمَاتَاتِهِ : مِنْ وَجْهِهِ . وَ- قُرْبٌ وَدَنَا . وَ- عَلَيْهِ  
كَذَابًا : مَرَّبَهُ . وَ- عَلَيْهِ : أَنْفَدَهُ . وَ- عَلَيْهِ  
الْدَّهْرُ : أَهْلَكَهُ . وَ- الْمَكَانَ وَالرَّجُلَ : جَاءَهُ .  
وَ- الْأَمْرَ : فَعَلَهُ . وَ- الْمَرْأَةَ : بَاشَرَهَا .

بندریگی ص ۱۶ 

معانی مختلفی ذکر شده است اما آنچه در این آیه ذکر شده، بصیراً در نقش حال برای یأت است و در معنای لازم به کار رفته است زیرا مفعول به در آیه ندارد بنابراین به نظر میرسد که همان معنای اول که به معنای جاء میباشد مناسب است و در نهایت به این معناست که :

«این پیراهنم را ببرید و بر صورت پدرم بیاندازیدش تا بینا آید»